



بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را باید سپاسگزاری کنیم که به ما فرصت و مهلت داد تا يك سال دیگر در این عرصه‌ی امتحان دشوار - امتحان زنده بودن و زندگی کردن - باقی بمانیم و به امید تفضل الهی و قبول الهی و توفیق الهی، در پایان این يك سال، باز با برادران و خواهران عزیز نماینده‌ی مجلس، به مناسبت سالگرد تشکیل و انتخاب، دیدار کنیم. اولاً تشکر میکنیم از زحمات شما نمایندگان محترم و رئیس محترم مجلس، که امروز هم با بیانات شافی و کافی مطالبی را بیان کردند که مفید بود. شما نمایندگان محترم بجز تلاشهایی که در زمینه‌ی قانونگذاری، نظارت و بقیه‌ی وظائف قانونی انجام دادید - که امروز گزارش آن را رئیس محترم مجلس گفتند؛ دیروز هم در جلسه‌ای که داشتیم، ایشان مفصلاً جزئیات بیشتری را بیان کردند - در عرصه‌های مهم سیاسی داخلی و خارجی هم نقش‌آفرینی کردید، که باید صمیمانه تشکر کنیم. هم در آنجائی که نظام مواجه است با يك جبهه‌ی وسیع خصومت و کینه‌ورزی در سطح جهان، که این جبهه به مناسبت‌های گوناگون حضور خود را و موذیگری خود را نشان میدهد، انسان می‌بیند که مجلس همانند يك عضو فعال و زنده، موضع خود را نشان داده است - در قضایای فلسطین، در قضایای هسته‌ای، در قضایای گوناگون - هم در مسائل داخلی، همان طور که اشاره کردند؛ برخی از فتنه‌انگیزی‌ها، بعضی از بداخلاقی‌ها، مجلس نقش‌آفرین بوده است؛ این جای تشکر و قدردانی دارد.

وقتی که انسان به ترکیب مجلس و بافت مجلس نگاه میکند، با توجه به اختلاف جناحها و جهتگیری‌ها و سلائق سیاسی - که خوب، يك امر طبیعی است - مجلس را يك مجموعه‌ی شاداب، مؤمن و دارای احساس مسئولیت می‌بیند. همین هم درست است.

امروز کشور شما - و شاید درست این باشد که بگوئیم تاریخ شما - نگران رفتار من و شماست. ما امروز در يك موقعیت حساس از لحاظ تاریخی داریم زندگی میکنیم. نقش ما، تصمیم ما، فعل ما، ترك ما، بر روی نسل‌های آینده، بر روی سرنوشت کشور اثرگذار است؛ اگرچه همه‌ی دوران انقلاب از همین قبیل است. این سی سال، سی سالی است که در سرنوشت تاریخی آینده‌ی ما اثرگذار خواهد بود؛ اما اینجور به نظر میرسد که این دوران، این شرائط سالهای محدود کنونی، خصوصیت‌های ویژه و منحصربه‌فردی دارد.

وضع دنیا در حال تغییر است. شرائط سیاسی دنیا، موازنه‌های سیاسی و موازنه‌های قدرت در سطح دنیا در حال تحولات است و انسان شکل‌گیری جدیدی را مشاهده میکند. شما که دستی در سیاست دارید، خوب میدانید که در این شرائط، همه‌ی عناصر حاضر در صحنه میتوانند به نفع اهداف و آرمانهای خود نقش بیافرینند، یا میتوانند عاقل و باطل بمانند. آن وقتی که جابه‌جائی‌ها دارد صورت می‌گیرد، تحولات جهانی دارد انجام می‌گیرد، يك عنصر بیکار، کم‌کار و غافل قطعاً در تحول آینده، در شکل جدیدی که بناست بر اوضاع سیاسی دنیا حاکم شود، نقش ضعیف‌تری نصیب خود خواهد کرد. عنصری که فعال است، هوشیار است، بیدار است، صحنه را رصد میکند، فعل و انفعالات را می‌بیند و پیش‌بینی میکند، او میتواند در شکل جدیدی که بناست به وجود بیاید، برای خود جایگاه محکم‌تری، بابرکت‌تری و نزدیک‌تری به اهداف و آرمانهای خود فراهم کند. شرائط امروز این است.

به همین منطقه‌ی خودمان، به خاورمیانه نگاه کنید؛ حوادثی که امروز در خاورمیانه و حول و حوش مسئله‌ی فلسطین دارد اتفاق می‌افتد، دیگر سابقه ندارد؛ شبیه این، هیچ وقت پیش نیامده است. این نشانه‌ی این است که يك جابه‌جائی دارد صورت می‌گیرد، يك تحول دارد اتفاق می‌افتد. در سطح دنیا هم که نگاه کنید - جایگاه آمریکا، جایگاه برخی کشورهای اروپائی، تأثیرات آنها در دنیا، نقش‌آفرینی‌هایشان - می‌بینید تغییرات بزرگی در حال انجام است. در دوران این سی سال، در برهه‌هایی - که من حالا يك مواردی را در ذهن دارم - شبیه این را ما دیدیم؛ اما امروز به شکل روشنی آدم این را احساس میکند.

اگر ما در این شرائط نقش‌آفرینی کنیم، یقیناً به نفع آینده‌ی کشور، آینده‌ی نظام و آینده‌ی تاریخ ما خواهد بود. این



نقش آفرینی هم متوقف به این است که در داخل، انسجام لازم، اقتدار لازم، انگیزه‌ی کافی، همکاری‌های صمیمی و تنگاتنگ وجود داشته باشد. به مسائل کشور، به مسائل قانونگذاری، به رابطه‌ی دولت و مجلس، به موضعگیری‌های گوناگون در زمینه‌ی مسائل داخلی و خارجی، با این دید باید نگاه کرد؛ از این منظر باید همه‌ی این مسائل را دید. آن وقت خیلی از چیزهایی که حالا ممکن است به نظر ماها در نگاه اول اهمیت پیدا کند، کم‌قدر خواهد شد و از اهمیتش کاسته خواهد شد. لذا من اعتقادم این است که مجلس کنونی - که بحمدالله ترکیب خوبی دارید؛ مؤمنید، انقلابی هستید، با مسائل آشنا هستید، در بین شما افراد تحصیلکرده و باسواد زیادند؛ مسائل کشور هم مسائل حساسی است - در این دو سالی که از عمرش باقی مانده است، از همه‌ی فرصت استفاده کند، برای اینکه آنچه که بجاست، بحق است و شایسته است، به وسیله‌ی این مجلس انجام بگیرد.

خوشبختانه مردم کشور برخلاف انتظاری که مخالفین نظام و دشمنان نظام داشتند، حقا و انصافاً خوب حالتی از خودشان نشان دادند. مردم نشان دادند به امام علاقه‌مندند. طبق همین آمارهایی که همیشه و در همه‌ی سالها به ما میدهند، امسال آمار حضور مردم از سال قبل و سال قبل‌تر بیشتر است. خوب، این معنایش چیست؟ این همه جمعیت از تهران و از شهرستانها جمع بشوند بیایند توی هوای گرم آن روز، چند ساعت در زیر آفتاب بمانند - حالا آنجائی که ما بودیم، باز يك نیمه‌سقفی، سایه‌بانی، نیمه‌سایه‌بانی بود - در این صحنهای وسیع، توی این مسیر، توی این خیابانها، این جمعیت متراکم در بهشت‌زهرا، زنها، مردها، کودکان؛ شنیدم بعضی‌ها هفت ساعت، هشت ساعت زیر آفتاب آنجا تحمل کردند، که واقعا جای تقدیر و تشکر از مردم دارد. من همین‌جا لازم میدانم از ملت عزیزمان و از حضار این اجتماع عظیم، به خاطر این همه وفاداری، صمیمانه تشکر کنم و از ته دل قدردانی کنم.

اینها خیلی مهم است. با گذشت بیست و يك سال از رحلت امام، مردم اینجور به امام دل بسته‌اند. خوب، امام مظهر انقلاب است، مظهر دین است، مظهر آن آرمانهایی است که او به آنها دعوت میکرد و اول بار چشم ما را به روی این آرمانها باز کرد و ما را به سمت این آرمانها هدایت کرد؛ کسی که منادی توانائی این ملت برای پیمودن مدارج اعتلاء و کمال بود. وقتی مردم به انسانی با این خصوصیات احترام میگذارند، معنایش این است که به این آرمانها احترام میگذارند. این آرمانها هم همان چیزهایی است که سعادت يك ملت را تأمین میکند. ملتی که بانشاط باشد، ملتی که باایمان باشد، ملتی که اسلام را از بن دندان قبول داشته باشد، ملتی که خود را باور داشته باشد، به خدای خود اعتماد داشته باشد، هیچ مانعی نمیتواند از پیمودن راه کمال در برابر او جلوگیری کند. خوب، اینها خیلی اهمیت دارد. شما نماینده‌ی يك چنین ملتی هستید. این در عرصه‌ی حضور عاطفی و عقلانی و احساساتی و پیوند معنوی با امام، آن هم حضور در انتخابات چهل میلیونی سال گذشته؛ اینها خیلی ارزش دارد، اینها خیلی معنا دارد. من و شما در واقع خدمتگزار يك چنین ملتی هستیم. يك وقت يك ملت بی‌تفاوتی است، يك ملت بی‌عار و کم‌کاری است؛ خوب، يك اقتضائاتی دارد؛ يك وقت يك ملتی اینجور متحرك، علاقه‌مند، حماسی، پرشور، عاطفی و فهیم است؛ این اقتضائات دیگری دارد.

ما خیلی مسئولیم؛ هم من، هم شما، هم دولت، هم مسئولین گوناگون؛ همه‌مان. همان طور که آن روز هم در مرقد امام عرض کردم، محاسبات معنوی را هم بایست داخل کرد. فقط این نیست که از لحاظ عقلانی آدم بگوید که خوب، باید کار کنیم؛ نه، خدای متعال هم از ما سؤال میکند. به قدر امکانی که داده شده، به قدر نعمتی که داده شده، سؤال و مؤاخذه وجود دارد.

اگر ان شاءالله بتوانیم کاری کنیم که پیش خدای متعال روسفید باشیم، آن وقت همین آیاتی که این قاری محترم با صدای خوش تلاوت کردند - «لایحزنهم الفزع الاکبر و تتلقیهم الملائکه» (1) - شامل حال ما خواهد شد. فزع اکبر؛ خدای با عظمت، يك چیزی را کبیر، بلکه اکبر بداند؛ خیلی خیلی چهره‌ی مهیبی در مقابل اوست. اما خوب، کسانی که کار میکنند، تلاش میکنند، به وظائف عمل میکنند، آنجا دیگر خیالشان راحت است. اینها را باید باور کنیم.

در مورد مجلس سخنان زیادی گفته شده است - در خود مجلس، در بیرون مجلس - تذکراتی هم داده شده، ما هم عرض کرده‌ایم. چند مطلب را من از مطالبی که حالا شاید بعضی‌اش هم تکراری باشد، عرض میکنم.



در نگاه به مسائل کشور - که در مورد مسئولیت شما، به شکل قانون و قانونگذاری تجلی میکند - بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمانها پائین نیائید، کوتاه نیائید. نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت. سقفی را معین میکنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان یا دولت یا مسئولین معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، منتها به طرف آن آرمان، تا هی این توانائی‌ها روزبه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرایی به معنائی که در مقابل آرمان‌گرایی است، مطلوب نیست. ملاک این است که ما میخواهیم به آن آرمانها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است؛ نباید دچار توهم شد. گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری، در آنچه که باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد؛ خوب، این هم غلط است. آرمانها را باید در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمانها پیش رفت. این یک نکته است.

نکته‌ی دیگری که همیشه محل کلام بوده است، ما هم عرض کرده‌ایم، شماها هم می‌گوئید، دولت هم می‌گوید، مسئله‌ی همکاری مجلس و دولت است؛ این باید تحقق پیدا کند. اینکه مجلس بگوید از طرف ما همه‌ی کارها انجام گرفته، دولت است که باید جلو بیاید؛ از آن طرف هم دولت بگوید از طرف ما همه‌ی کارهای لازم انجام گرفته، این مجلس است که باید جلو بیاید؛ این نمیشود. صمیمانه باید همکاری کنیم. هم دولت، هم مجلس، هر کدام در قانون حدودی دارند. البته بعضی از این حدود، واقعاً مشخص نیست. حقیقتاً بعضی از این خطوط، خطوط بارز و شاخصی نیست، که از عیوب قوانین ماست؛ باید ما این خطوط را مشخص کنیم. امروز نیاز کشور به همکاری است؛ یعنی نه در دولت باید انگیزه‌ی نافرمانی نسبت به مجلس پدید بیاید و وجود داشته باشد، نه در مجلس بایستی مطلقاً انگیزه‌ی اذیت کردن دولت، معطل کردن دولت وجود داشته باشد. بنابراین هر دو صمیمانه، به صورت واقعی، با ملاحظه‌ی جایگاه یکدیگر، بایستی به هم کمک کنند؛ این یک وظیفه‌ی بسیار مهمی است.

مثلاً در مسئله‌ی قانون - که حالا محل کلام هم هست - دو طرف با همدیگر گفتگو‌هایی میکنند. از یک طرف این حرف درست است که دولت باید به قانون عمل کند - یعنی آنچه که شکل قانونی گرفت، وظیفه است که دولت عمل کند - از آن طرف دیگر قانونگذار باید نقش مدیر اجرائی را در نظر بگیرد. اجرا کار سختی است. کسانی از شماها خودشان مجری بودند، وزیر بودند، یا در بخش‌های مختلف اجرائی حضور داشتند؛ اجرا خیلی فاصله دارد با طراحی اجرا، با آن طراحی که باید انسان تهیه کند تا اجرا شود. بنابراین باید به واقعیت‌ها توجه داشت. دولت، آن عنصر وسط گود است که میخواهد کارها را انجام دهد. باید ما کار دولت را تسهیل کنیم. باید ما کار دولت را رعایت کنیم. درست است که دولت باید به قانون عمل کند، این هم درست است که مجلس باید کاری کند که دولت بتواند به قانون عمل کند؛ والا اگر فرض کنیم یک تکلیفی بر دوش دولت گذاشتیم، اعتبارش را تصویب نکردیم؛ خوب، این نمیشود؛ اینها مشکلات دارد. یا فرض بفرمائید دولت لایحه‌ای را به مجلس می‌آورد - که دولت طبعاً با توجه به امکاناتش، با توجه به قدرت خودش، با توجه به موجودی کشور و زمینه‌های مساعد، این لایحه را تنظیم کرده - بعد در مجلس تصرفاتی در این لایحه میشود که بکلی یک چیز دیگری از آب در می‌آید. غالباً دولتی‌ها از این جهت به ما گله میکنند. بنده هم دستم در کار است. من، هم در دولت، هم در مجلس بوده‌ام؛ میدانم چه جوری میشود عمل کرد و چه جوری میشود درستش کرد و چگونه میشود یک جور دیگر عمل کرد. باید به این نکات توجه شود. واقعاً باید صمیمانه کار کنند؛ این دیگر مربوط به خط و خطوط سیاسی هم نیست. اینی که ما می‌گوئیم، خطاب به کسانی نیست که حالا از لحاظ فکر سیاسی هم‌جهت با دولتند؛ نه، حتی آنهایی که از لحاظ فکر سیاسی، نقطه‌ی مقابل دولتند؛ آنها هم برادران مؤمنند، مسلمانند، بچه‌ی انقلابند. بحث، سر انقلاب است. بحث، سر مصالح کشور است. همه باید اینجور تقیدی را داشته باشند. آن طرف، این قانون اینجوری تنظیم میشود؛ این طرف هم دولت الزام خواهد شد که بله، باید به این قانون عمل کند. اینجوری میشود دولت را عملاً به اجرای قانون الزام کرد. این همکاری از دو طرف باید وجود داشته باشد.

نکته‌ی دیگری که میخواهیم عرض کنیم، مورد تأیید برادرانی از مجلس است که صاحب‌نظرند، سابقه دارند. کمیسیونها در مجلس خیلی وظیفه و نقش بر عهده دارند. کمیسیونها خیلی باید کار کنند. صحن علنی مجلس البته



جای تصمیم‌گیری است، اما کار بنیانی در کمیسیونها انجام میگیرد؛ بلکه حتی ما در طول این سالهای متمادی در مجلس کسانی را سراغ داشتیم که قبل از اینکه بیایند توی کمیسیون اظهار نظر کنند، خودشان پیش مطالعه میکردند، میرفتند نگاه میکردند، مطالعه میکردند، جوانب قضیه را میسنجیدند. اینجور کاری خیلی خوب است. آن وقت شما هنگامی که وارد مجلس شدید، وارد صحن شدید، قانون که مطرح شد، موافق و مخالف که صحبت میکنند، هر نکته‌ای از سخنان آنها مورد توجه قرار میگیرد. این که نباشد، آدم خالی‌الذهن باشد، حرف موافق و مخالف مثل این است که یک چیزی دارند توی فضا و هوا میگویند؛ تصمیم‌گیری انسان هم تصمیم‌گیری متکی به حجت نخواهد بود؛ چه درباره‌ی قانون، چه درباره‌ی بعضی از مصوبات دیگر؛ تعیین اشخاص، وزیر، غیر وزیر. وقتی قبلاً مطالعه شده باشد، انسان با حجت وارد میشود. گاهی میشود که ده نفر مخالفت میکنند، فضا فضای مخالف است؛ اما شما که موافقید، استدلال دارید، فکر دارید و بر طبق آن اجتهاد و فهمی که از مسئله دارید، عمل میکنید؛ این درست است. یعنی میخواهم خدمت آقایان و خانمها عرض کنم که کار بررسی در کمیسیون، بلکه قبل از کمیسیون را باید جدی گرفت. لذا حضور در کمیسیونها خیلی مهم است، و حضور سر ساعت و حضور مستمر خیلی اهمیت دارد.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی شأن نظارتی مجلس است. ببینید، مجلس نسبت به دستگاه‌های اجرائی کشور شأن نظارتی دارد - که خوب، چیز بسیار بااهمیتی هم هست - یک شأن نظارتی هم برای خود مجلس و برای آحاد نمایندگان تعریف کنید. من معتقدم که شما دو سال دیگر توی مجلس، معلوم نیست بعد از این توی مجلس باشید یا نباشید؛ ممکن است دیگر هرگز گذارتان به مجلس نیفتد؛ اما صدها و صدها نفر در طول زمان از اینجا عبور خواهند کرد؛ کسانی خواهند آمد و روی این صندلی‌ها خواهند نشست. اگر شما امروز توانستید یک سازوکار کنترلی متقن و محکم برای نظارت بر کار نماینده پایه‌گذاری کنید، تا هر وقتی که این دستگاه خوب کار کند، اجرش مال شماست؛ مزد الهی‌اش مال شماست. آن طرف قضیه هم متأسفانه همین جور است. اگر امروز با قدرتی که خدا به شما داده - توان نمایندگی - میتوانید این ابزار کنترلی را کار بگذارید، ولی کار نگذارید، از شما سؤال خواهد شد. روز قیامت خدا سؤال میکند. همه‌اش اینجور نیست که ما فکر کنیم حرف دادگاه‌پسند داریم یا نه. این دادگاه‌ها که چیزی نیست، دادگاه‌های بشری که اهمیتی ندارد؛ دادگاه الهی اهمیت دارد. «یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور»؛ (2) اعماق دل‌های ما برای خدا روشن است. یک کاری بیش از اندازه‌ی تکلیف‌مان انجام دادیم، هیچ کس نمیفهمد، هیچ کس تشکر نمیکند؛ اما خدای متعال میفهمد، کرام‌الکاتبین مینویسند و خدا تشکر میکند. یک کوتاهی‌ای کردیم، هیچ کس نفهمیده؛ ظاهرسازی کردیم، یک جوری که خیال کردند آره، ما کار را خوب انجام دادیم؛ در حالی که در باطن کوتاهی کردیم. هیچ کس نمیفهمد، هیچ کس ما را ملامت نمیکند؛ اما کرام‌الکاتبین می‌بینند، مینویسند و خدای متعال مؤاخذه میکند. این به نظر من چیز مهمی است.

خوب، نماینده - مثل همه‌ی ماها - در معرض اینجور لغزشها و آسیبها قرار دارد. مال، فتنه‌انگیز است. این، حرف من نیست؛ حرف امام سجاد (علیه الصلوة و السلام) است؛ «المال الفتون»؛ (3) مال فتنه‌انگیز. پول، فتنه‌انگیز است؛ دل‌ها را از راه در میبرد؛ خیلی‌ها را می‌لرزاند؛ کسانی که آدم خیال نمیکند اینها هم بلغزند، اما آدم می‌بیند گاهی می‌لغزند. قدرت هم همین جور است، رودربایستی هم همین جور است، محبت‌ها هم همین جور است، دشمنی‌ها هم همین جور است؛ ماها را می‌لغزاند. یک جائی باید بر کارش نظارت کند. خدا را شکر میکنیم که شما برادران و خواهران با دل بیدار از این مسئله استقبال میکنید.

نکته‌ی آخر هم این مسئله‌ی برنامه‌ی پنجم است؛ این خیلی مهم است. البته این برنامه در مجلس مطرح است و شما هم مشغول کار هستید. به نظر من در بررسی برنامه‌ی پنجم جوری عمل بشود که آن اشکالی که قبلاً عرض کردیم، پیش نیاید؛ یعنی برنامه ماهیتاً متفاوت با آنچه که به صورت لایحه به مجلس داده شده، از آب در نیاید؛ یعنی اصلاح بشود، تکمیل بشود، نه تبدیل بشود. این، همکاری دولت و مجلس را لازم دارد. به نظر ما، هم دولت در این زمینه نقش دارد، هم مجلس در این زمینه نقش دارد.

بالاخره برادران عزیز! خواهران عزیز! قدر این نعمت را باید بدانید. اینکه شما با انتخاب مردم در جایگاه نمایندگی تکیه زدید و میتوانید در امر و نهی کشور، باید و نباید ملت نقش‌آفرینی کنید، خیلی فرصت بزرگی است، خیلی نعمت



بزرگی است. باید شب و روز خدا را شکر کنید.

این کشور دست مردم نبود، دست نمایندگان مردم نبود، مردم نقشی نداشتند. از اوّلی که مشروطیت و رأی و قانون مجلس توی این کشور درست شد - بجز یکی دو تا مجلس در آن اوائل - مجالس این کشور اصلاً معنی نداشتند. مجلس که نبود، به هیچ معنا مردم هم نبودند. نه مدیران کشور منتخب مردم بودند، نه قانونگذاران منتخب مردم بودند، نه مردم اصلاً نقشی داشتند؛ این کشور یک چیز دیگری بود، یک حرکت دیگری بود. به برکت انقلاب، این حالت پیش آمده؛ این را خیلی باید قدر دانست، خیلی باید مغتنم شمرد؛ انسان باید روز و شب خداوند متعال را بر این نعمت بزرگ شکر کند.

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال توفیق شکرگزاری و انجام دادن این خدمت را به همه‌ی ما عنایت کند. امیدواریم خداوند متعال روح مطهر امام بزرگوارمان را - که فاتح این فتح بزرگ و گشاینده‌ی این راه بود - شاد کند و درجاتش را عالی نماید. امیدواریم خداوند متعال درجات شهدای عزیز و جهادگران عزیزی را که در طول این سی و یک سال تلاش کردند تا اینکه بشود این بنا را روزه‌روز مستحکم‌تر کرد و این درخت را ریشه‌دارتر کرد، عالی کند و به همه‌ی خدمتگزاران اجر بدهد؛ شما برادران و خواهران عزیز را هم ان شاء الله مأجور قرار دهد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) انبیاء: 103؛ «دلهره‌ی بزرگ، آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان از آنان استقبال میکنند...»

(2) غافر: 19؛ «خدا نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دلها نهان میدارند، میداند.»

(3) صحیفه‌ی سجادیه؛ دعای 27